یادداشت

روی مرز تاب‌آوری

آزاده سهرابی
روانشناس

موضوع فقط گرانی مسکن نیست؛ با گرانی‌هایی که این روزها سراغ‌مان آمده است. چیزی که در دنیا بعد از کرونا بسیاری از مردم هم تجربه‌اش می‌کنند؛ موضوع بر سر این است که بحران‌ها در زندگی روزمره تمامی ندارد. از دست دادن شغل، سوگ، طلاق، ورشکستگی، موفق نشدن در یک آزمون پس از مدت‌ها تلاش و... زندگی بالا و پایینش زیاد است. همه اینها به ما می‌گوید که استرس جزئی از زندگی روزمره انسان است و هر چقدر این انسان در زندگی اجتماعی و مدرنیته بیشتر غوطه می‌خورد، استرس‌ها هم بیشتر می‌شود. هر چند این بر عهده دولتمردان و مسئولان است که با توجه به اقتضائات زندگی فضا را برای داشتن راه‌های گریز از استرس آماده کنند، اما ما خودمان چه سهمی برای تاب‌آوردن در مقابل استرس‌ها داریم؟ درست این است که در فضاهای شهری به قدر کافی امکاناتی عمومی باشد تا افراد بتوانند برای گریز از استرس‌ها کمی به آرامش برسند اما واقعیت این است که ما از استرس‌های روزمره این روزها به شهر هم نمی‌توانیم پناه ببریم و شلوغی، گرما، ترافیک و... این فضا را محدود کرده است مگر معدود جاهایی در شهر که می‌توان کمی از تنش‌ها دور شد اما حالا راه چیست؟

انسان امروز راهی جز گشتن درون خودش و پیدا کردن راه‌حل‌هایی شخصی برای کاهش اضطراب‌ها ندارد در غیر این صورت تبعات استرس زندگی فردی، سلامت جسمی و روانی و زندگی اجتماعی او را چنان بهم گره می‌زند که خودش بر استرس‌های دیگر خواهد افزود. سال‌هاست واژه‌ای در روانشناسی به عنوان متغیری که می‌تواند تضمین‌کننده سلامت روان در بحران‌ها باشد، مطرح است و آن چیزی نیست جز تاب‌آوری! افرادی که تاب‌آور هستند مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی را دارند که برخی از آنها آموختنی است و برخی نیز جزئی از خصوصیات سرشتی آنها. همدلی بالا، مهارت خوب گوش کردن به دیگران، قدرت تمرکز، انتخاب سبک زندگی سالم از جمله دقت در خواب کافی، مهارت‌های ارتباطی مؤثر، توانایی مثبت اندیشیدن، قدرت تحلیل، قدرت حل مسأله، کمتر تحت تأثیر دیگران بودن و... برخی از این ویژگی‌هاست. حالا مدت‌هاست همه جا در فضای مجازی تبلیغ اعتماد به نفس می‌کنند و حتی گاهی به اشتباه خودمحوری جایگزین اعتماد به نفس شده است! اما واقعیت این است که داشتن عزت نفس این روزها بیشتر به کار می‌آید. شاید بپرسید تفاوت این دو چیست. در اعتماد به نفس فرد این اعتماد را به خودش دارد که می‌تواند از پس یک کار به خوبی بربیاید. مثلاً می‌تواند فلان مشکل را حل کند یا فلان کار را به خوبی به سرانجام برساند. اما فردی که عزت نفس دارد می‌داند برخی جاها ممکن است به قدر کافی هم نتواند خوب باشد یا مهارت لازم را نداشته باشد یا مشکلی در کارش باشد و در مقابل نقدها یا دیدن آن ضعف‌ها خود را نمی‌بازد. او در مقابل ناتوانی‌های خود اعتماد به نفس دارد. از آنجایی عزت نفس اهمیت دارد که ما نمی‌توانیم در چنین زندگی پیچیده‌ای از پس همه چیز برببایم. این دروغ بزرگی است که همه چیز همیشه یا یک روز عالی خواهد بود. ممکن است ما هیچ وقت نتوانیم به سطح ایده‌آلی از خواسته‌های خود برسیم اما آنچه داریم و لذت از آن، تکلیفش چه می‌شود؟ فرد تاب‌آور به داشته‌هایش چنگ می‌زند و خود را بالا می‌کشد، به خودش دلداری می‌دهد و می‌داند که در مسیرهای سخت تنها نیست. او پیش‌تر با مهارت‌های اجتماعی توانسته حمایت اجتماعی را کسب کند و حالا به دادش می‌رسند. او به دیگران خوب گوش داده و حالا به خوبی شنیده می‌شود. او هیجاناتش را غریبه نمی‌داند و از آنها کمک می‌گیرد. او با جسمش به خوبی رفتار کرده و حالا در مقابل سختی‌ها تاب می‌آورد. آنها باور دارند «فردا، روز بهتری» خواهد بود و هدف و امید دارند. افراد تاب‌آور مسئولیت بخشی از مشکلاتی که امروز سر راه‌شان هست را می‌پذیرند. مدام در حال سرزنش دیگران نیستند و همین باعث می‌شود احساس کنترل بر زندگی داشته باشند. تاب‌آوری نوعی از سازگاری است که آموختنی است. سازگاری جایی بیرون از فاجعه انگاری ایستاده است و برای همین فرد تاب‌آور می‌بیند و می‌داند که این روزها قیمت مسکن گران است، ممکن است مجبور باشد مدتی را در سختی زندگی کند اما دنبال راهی می‌گردد و متوقف نمی‌شود. گرچه حتماً بحران‌های متعدد می‌تواند تاب‌آوری را شکننده کند اما بهتر است ما همیشه روی نقطه‌ای ایستاده باشیم که باور کنیم «فردا روز بهتری» خواهد بود.

عکس: نعیم احمدی/ایران

نگاهی به وضعیت مسکن از دید روانشناسی و جامعه شناسی شهری

تغییر مسکن، تغییر سبک زندگی است

گزارش

حمیده امینی‌فرد
خبرنگار

نگاهی به روند خرید و فروش زمین در شهرهای بزرگ کمی ناامیدکننده است. هر از گاهی هم آمارهای متناقضی سر از رسانه‌ها درمی‌آورد که مثلاً برای خرید یک خانه با حقوق کارگری باید یک قرن منتظر ماند یا از زبان شهردار تهران می‌شنویم که یک فرد معمولی برای خانه‌دار شدن باید ۶۷ سال زمان سپری کند، اما واقعیت چیزی فراتر از همه این عدد و رقم‌های خیالی بدون پیمایش علمی است، چه آنکه نرخ‌ها در هر منطقه و محله‌ای و با توجه به امکانات و بودجه مورد نظر افراد، زمین تا آسمان توفیر دارد و این‌طور نیست که بتوان برای عموم مردم نسخه واحد پیچید! اما موضوع فقط خرید مسکن نیست و این روزها اجاره‌ها نیز باعث جابه‌جایی‌های زیاد و سالانه مستأجران شده است. اغلب بنگاهی‌ها را غیر معتمد می‌دانیم و اگر مستأجریم، صاحبخانه‌ها را در وضع موجود مقصر اصلی معرفی کرده و برعکس اگر مالک خانه‌ایم، مستأجران هستند که باید تاوان گرانی سال‌های اخیر را با بهای سنگین اجاره خانه بپردازند.

واقعیت دیگری که نمی‌توان آن را کتمان کرد، فارغ از اینکه چه کسی در ایجاد و ادامه این وضعیت مقصر است، بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از اجباری است که خانوارها در تغییر مسکن خود متحمل می‌شوند. ما این روزها نباید به مسکن فقط به‌عنوان یک سرپناه یا جای خواب نگاه کنیم، تغییر مسکن یعنی تغییر طبقه و تغییر سبک زندگی! حسن موسوی‌چلک، آسیب‌شناس با مرور آسیب‌های اجتماعی که از تغییر مداوم مسکن به افراد تحمیل خواهد شد به «ایران» می‌گوید: «یکی از شرایطی که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند این است که وضعیتی پیش آمده که بین تورم، درآمدها و هزینه‌ها تناسبی نیست. در چنین شرایطی تأمین نیازهای اساسی و ضروری مردم از جمله مسکن دچار مشکل می‌شود. تأملی بر قیمت‌ها در چند سال اخیر نشان می‌دهد رشد قیمت‌ها چه در خرید، ساخت، رهن و اجاره مسکن افزایشی بوده است، به طوری که در این وضعیت حاد، بسیاری از افراد مجبور شدند خانه‌هایشان را کوچک‌تر کرده و به مناطق کم‌برخوردارتر منتقل کنند یا به سمت خانه‌هایی با امکانات حداقلی بروند.»

این آسیب‌شناس با بیان اینکه این تغییر مسکن در واقع تغییر سبک زندگی است، ادامه می‌دهد: «وقتی فردی محله‌ای را تغییر می‌دهد، در واقع این تغییر محیط صرفاً تغییر خانه و امکانات نیست بلکه تغییر همسایه و فرهنگ اجتماعی محله و... است و در چنین شرایطی تعارض و اختلاف بین اعضای خانواده هم زیاد می‌شود و اگر نتوانند این تعارضات را مدیریت کنند، نتیجه آن آسیب‌هایی خواهد بود. فشارهای ناشی از افزایش هزینه مسکن را مردم به دوش می‌کشند و تسهیلاتی که ارائه می‌شود هم نمی‌تواند چاره‌ساز باشد. البته این تغییر و جابه‌جایی از منطقه متوسط به محله‌ای کم‌برخوردار تبعات دیگری هم دارد و دوباره حاشیه جغرافیایی گسترش می‌یابد که این قطعاً برای امنیت اجتماعی نگران‌کننده است.

همین الان هم جمعیت محلات ناکارآمد شهری در کل کشور چیزی در حدود ۲۰ میلیون نفر است و اگر بیشتر از این شود اثرات آن خودش را در خانه‌های اشتراکی و... نشان می‌دهد.» او ادامه می‌دهد: «از سوی دیگر وقتی مسکن خانوارها کوچک می‌شود یعنی متراژ آب می‌رود و بالطبع حریم شخصی و خصوصی افراد خانواده نیز محدود می‌شود و روابط اعضای خانواده تحت‌تأثیر این موضوع قرار گرفته و ایجاد نارضایتی می‌کند. به عبارتی روابط و نقش‌ها نیز تحت‌تأثیر این کاهش متراژ قرار می‌گیرد.

پس مسکن فقط مسکن نیست، در روابط اجتماعی، سبک و کیفیت زندگی، سلامت روح و روان افراد نیز تأثیر می‌گذارد. به عبارتی مسکن فقط کارکردهای اقتصادی ندارد و اتفاقاً دارای کارکردهای اجتماعی برجسته‌ای است که از خانواده شروع و به درون جامعه کشیده می‌شود.»

> برخی جامعه‌شناسان، روانپزشکان و روانشناسان به این مسأله اذعان می‌کنند که بی‌ثباتی و غیر قابل پیش‌بینی شدن بازارهای اقتصادی از جمله مسکن به اضطراب اجتماعی و کاهش سلامت روانی افراد منجر می‌شود. این مسأله بویژه در مسکن بیشتر خودش را نشان می‌دهد، چون تغییر مسکن از منطقه‌ای به منطقه دیگر باعث می‌شود طبقه اجتماعی افراد تحت‌تأثیر این نوسانات قرار بگیرد

افزایش قیمت خانه، افزایش اضطراب

برخی جامعه‌شناسان، روانپزشکان و روانشناسان به این مسأله اذعان می‌کنند که بی‌ثباتی و غیر قابل پیش‌بینی شدن بازارهای اقتصادی از جمله مسکن به اضطراب اجتماعی و کاهش سلامت روانی افراد منجر می‌شود. این مسأله بویژه در مسکن بیشتر خودش را نشان می‌دهد، چون تغییر مسکن از منطقه‌ای به منطقه دیگر باعث می‌شود طبقه اجتماعی افراد تحت‌تأثیر این نوسانات قرار بگیرد. مریم شاهرخی، روان‌درمانگر به «ایران» می‌گوید: «در زمینه تغییر و جابه‌جایی مسکن به علت گران شدن بهای اجاره یا ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها آنچه بروز می‌کند کاملاً به درون شخص بستگی دارد. قسمت روانشناختی آن حس از دست دادن کنترل روی زندگی است. برخی افراد ممکن است بنا به شرایطی به این تغییر مسکن تن دهند. مثلاً می‌خواهند در نزدیکی والدین خود زندگی کنند. خب این تأثیرات بیرونی است نه درونی! و فشار روانی زیادی هم به فرد وارد نمی‌شود یا اگر هم فشاری وارد شود به آسیب منجر نمی‌شود، چون به هر حال همه ما در معرض فشار به صورت روزانه هستیم.»

وی با تأکید بر اینکه این فشار چه تبعاتی برای افراد دارد به یکی از پایه‌های افسردگی اشاره کرده و می‌گوید: «افسردگی چندوجهی است و تک‌علتی نیست. متأسفانه این حس در سال‌های اخیر با فشارهای اقتصادی جهشی شده است و محدود به طبقه خاص یا قشر ضعیف هم نیست. حتی طبقه متوسط و کمی بالاتر هم درگیر آن شده‌اند، چون نمی‌توانند این وضعیت را مدیریت کنند و به نوعی غیر قابل پیش‌بینی شده است، بنابراین نمی‌توانند برای آن برنامه‌ریزی کرده یا تدبیری بیندیشند.» او می‌گوید: «ما تابلوی کناره‌گیری، غم و اشک را می‌شناسیم، اما افسردگی چهره خطرناک‌تر بویژه در سنین پایین‌تر دارد که به آن پرخاشگری می‌گوییم. اینکه چه باید کرد، بهتر است به حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی ورود کنیم. درمانگر صرفاً می‌تواند به یک فرد کمک کند، اما وقتی مسأله جمعی می‌شود، به مداخلات جامعه‌شناسان و اقتصاددانان نیاز داریم.»

فضای سبز کم داریم، ساختمان تجاری می‌سازند

اگر تبعات روانی و اجتماعی تغییر مسکن و اجبار برای مهاجرت به مناطق و محلات دیگر را در ترازوی راهکارهای اقتصادی قرار دهیم، باید دید کدام وزنه در شرایط فعلی می‌تواند کمی از بار سنگین این فشارهای اجتماعی و فردی را کم کند. پاسخ البته در راه‌حل‌هایی ست که دولت و شهرداری باید برای آن چاره‌اندیشی کنند. این مسأله راه‌حل‌های متعددی دارد که یکی از آنها از زبان عبدالحمید نقره‌کار، پژوهشگر شهری مورد بحث قرار گرفته است. مهم‌ترین نکته اما به آمایش سرزمین و مهاجرت معکوس از تهران ختم می‌شود.

او به «ایران» می‌گوید: «در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل مسکن ما خرید زمین است. این معضلی است که باید با آن به طور جدی مبارزه کرد. بر این اساس دولت باید مبتنی بر برنامه آمایش سرزمین، برای مناطقی که امکان ایجاد شغل وجود دارد زمین پیش‌بینی کرده و به متقاضیان واگذار کند. وقتی زمین وجود داشته باشد، فرد می‌تواند با حداقل امکانات موجود سرپناهی برای خود درست کرده و آن را گسترش دهد. با این توصیف مسکن با هزینه مناسب و صرف مدت زمان کمتر برای خانوارها فراهم می‌شود. در این حالت، بدترین شکل ساخت بلندمرتبه‌سازی و آپارتمان‌سازی است، اینکه یک نفر باید تمام عمر پس‌انداز کند تا سرمایه عمرش را به یک بساز و بفروش بدهد تا برایش خانه بسازد. این طرح‌ها مقطعی است، کار باید اساسی حل شود.»

نقره‌کار به مطالعه‌ای اشاره می‌کند که پیش از انقلاب درباره پهنه جغرافیایی تهران انجام شده است و می‌گوید: «بر اساس این مطالعه، حداکثر پذیرش جمعیت ۳ونیم میلیون بوده نه ۱۵ میلیون فعلی (دائم و موقت). بنابراین در تهران نباید تراکم ایجاد کرد، باید اعتبارات به مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها برود. یعنی باید در تهران مهاجرت معکوس رخ بدهد تا مشکل فعلی حل شود، چراکه هم‌اکنون اغلب سرانه‌های خدماتی در تهران زیر متوسط است و همه ساختمان‌ها تجاری، اداری و مسکونی شده است، درحالی که ما به خدمات دیگری مثل سرانه‌های آموزشی، فرهنگی، درمانگاهی، ورزشی، فضای سبز و پارکینگ هم نیاز داریم، اما باز هم شهرداری تراکم تجاری، اداری و مسکونی می‌فروشد. شما به سرانه‌های خدماتی در تهران نگاه کنید، پمپ بنزین کم است. در اکثر بزرگراه‌ها فضای سبز کم است. ما فضای سبز را نابود کرده‌ایم، در حالی که هر فضای اداری و مسکونی باید پر از سبزی و درخت باشد، اما در کنار بزرگراه‌ها چند درخت کاشته‌ایم و فکر می‌کنیم کافی است. مردم در خانه هم به فضای سبز احتیاج دارند، نباید که مدام به پارک و بوستان جنگلی بروند! متأسفانه این بلندمرتبه‌سازی‌ها بیشترین ضربه را به استقلال خانواده‌ها و حریم آنها زده است، چون انعطاف‌پذیر نیست. حتی نمی‌توان رنگ در خانه را تغییر داد، در حالی که در خانه‌های مستقل می‌توانستید فضای دلخواهتان را ایجاد کنید.»

اما چرا این اتفاق می‌افتد؟ نقره‌کار پاسخ می‌دهد: «چون تفکر ما تقلیدی و ترجمه‌ای است. بزرگ‌ترین اشتباهات در همین شورای عالی معماری و شهرسازی رخ می‌دهد. معتقدم باید یک کار عمده انجام داد و وزارت راه‌وشهرسازی را به یک «وزارت راه و حمل و نقل عمومی» و دو «شهرسازی و معماری» تقسیم کرد، چون اکثراً فنی و عمرانی هستند و از معماری و شهرسازی اطلاعات زیادی ندارند. در برنامه‌ریزی ملی، آمایش سرزمین باید مبنای هر نوع قانونگذاری و تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی باشد. ما نباید از پایین شروع کنیم. این جابه‌جایی مشکل روز است، اما برای حل آن باید از کل به جزء برسیم. یعنی ما باید در برنامه‌ریزی کلان ملی، ببینیم امکانات ملی و بهره‌وری در کجاست؟ آیا در کنار مناطق پتروشیمی است یا مناطق صنعتی، دامداری و توریسم؟ باید پهنه جغرافیای ملی را ارزیابی کرده و امکانات، نیرو، زمین و اعتبارات را به آنجا ببریم. یعنی بگویند اگر شغل و زمین می‌خواهید به این نقطه بروید، چون شهر ظرفیت این همه امکانات، صنعت، تولید، دامداری و... را ندارد و افراد باید به سراغ مشاغلی بروند که غیررسمی است، مثل دستفروشی، دلال‌بازی و...»

با این توصیف باید دوباره تأکید کرد که مسکن فقط مسکن نیست! حتی اگر بخواهیم از تبعات اقتصادی آن هم صرفنظر کنیم، نمی‌توانیم از آسیب‌هایی که هر ساله به دنبال این تغییرات در شرایط مسکن افراد ایجاد می‌شود چشم‌پوشی کنیم. شاید لازم باشد این بار به جای دنبال کردن راهکارهای اقتصادی صرف، پیگیر راهکارهای اجتماعی جدیدی باشیم که پدیده «جابه‌جایی مسکن» بر جامعه ایران تحمیل کرده است.

فراخوان جهت مناقصه عمومی یک مرحله ای به شماره ۲۰۲۳-۱۴۶۴۴
مناقصه گزار: شرکت عملیات اکتشاف نفت
موضوع: انتخاب فروشنده واجد صلاحیت جهت خرید ۹ حلقه ریل دستگاه لوله مغزی سیار(کویل تیوبینگ) با مشخصات ذکر شده در اسناد مناقصه
دریافت اسناد مناقصه: www.oeoc.ir
- بخش مناقصه و مزایده
مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۱
تلفن تماس: ۴۱۴۵۱۳۲۷ - واحد سفارشات خرید خارجی واحد بازرگانی

آگهی مزایده عمومی
اجاره محل کتاب فروشی علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی (نوبت اول)
دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران
تاریخ آگهی ۱۴۰۲/۵/۱۴
دستگاه مزایده‌گزار: دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران
موضوع مزایده: کتاب‌فروشی علوم پزشکی آزاد اسلامی
مبلغ سپرده: ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ریال به‌صورت واریز فیش نقدی و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی
مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مزایده و بازدید محل: ازتاریخ درج آگهی تاریخ ۱۴۰۲/۵/۱۴ لغایت ۱۴۰۲/۵/۲۵
محل دریافت اسناد مزایده: تهران: خیابان شریعتی، خیابان امیر پابرجا –بلوار آیینه، نبش کوچه گل یخ، ساختمان ستادی گل یخ، طبقه اول امور قراردادها دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران. تلفن: ۲۲۶۱۴۶۱۵ داخلی ۲۰۸
مهلت ارائه پاکات: تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۵/۲۵
مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده: ارائه مدارک شناسایی متقاضی، ارائه فیش واریزی به‌مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب ۰۱۰۴۸۲۶۷۳۴۰۰۹ نزد بانک ملی‌کد ۱۵۱۰ به نام دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران نزد بانک ملی ایران (غیر قابل استرداد)
دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات مختار و هزینه آگهی به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.
دبیر کمیسیون معاملات دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
پیمانکاری امور خدمات مجتمع‌های فرهنگی آموزشی رشد مشهد مقدس/ تنکابن/ نشتارود
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در نظر دارد مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای «پیمانکاری امور خدمات مجتمع‌های فرهنگی آموزشی رشد مشهد مقدس/ تنکابن/ نشتارود» به‌شماره ۲۰۰۲۰۰۳۰۶۶۰۰۰۰۰۷ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
زمان انتشار اسناد در سامانه، روز یک‌شنبه ۱۴۰۲/۵/۸ می‌باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد از سامانه: تا ساعت ۱۲ روز پنج‌شنبه ۱۴۰۲/۵/۱۲
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد در سامانه: تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۱۴۰۲/۵/۲۳
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۱ روز دوشنبه ۱۴۰۲/۵/۳۰
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:
آدرس: تهران– خیابان کریم‌خان– خیابان ابر انشهر شمالی– پلاک ۲۷۰– سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
تلفن: ۸۷۴۹۶ داخلی ۲۲۵ (گروه حقوقی و امور قراردادها)
شماره تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: ۱۴۵۶
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نوبت اول
آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
توأم با ارزیابی کیفی و فنی – شماره مناقصه: ت م ن/۴۰۱/۴۶
شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
۱) موضوع مناقصه: انجام عملیات طراحی، خرید تجهیزات و متریال، نصب، تست و راه‌اندازی دستگاه‌های BALER خطوط بسته‌بندی واحد SBR مجتمع پتروشیمی بندر امام
۲) مدت اجرای موضوع مناقصه: ۱۸ ماه
۳) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۰۰۰ ، ۰۰۰ ، ۳۰۰ ، ۱۲ ریال می‌باشد.
۴) انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۴-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۵) مهلت توزیع اسناد: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ تا ساعت ۲۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۳
ضمناً مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۶) داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۶-۱) آگهی تأسیس (درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)
۶-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۶-۳) گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی از سوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی (به استناد دستور العمل اجرایی آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری، اخذ تأییدیه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان جهت شرکت‌هایی که مرجع صادرکننده گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی آنها خارج از استان باشد، از سوی مناقصه‌گران الزامی است.)
۷) محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: دبیرخانه کمیسیون معاملات؛ تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۰
۸) محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: متعاقباً از سوی کمیسیون معاملات اطلاع‌رسانی خواهد شد.
تذکر۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.
تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندرامام (سهامی عام)